

یادداشت‌هایی از کلاس شریعت و آداب یهود

استاد: آرش آبائی

حامد آقاجانی فشارکی

۱۳۹۰

جلسه دوم؛ ۱۹ اسفند ۸۹؛ آبائی

ادامه مناسبت‌های یهود:

روزه‌های واجب:

۱. توراتی: یوم کپیور (این روزه، ۲۴ ساعتی است)
۲. ثانویه:

۱. روزه‌های سوگواری بیت المقدس

۱. ۱۷ تموز [به مناسبت شکستن محاصره اورشلیم]
۲. ۹ آو [سه هفته بعد از ۱۷ تموز؛ ویرانی معبد؛ مردادماه؛ این روز، سیاه‌ترین روز سال یهودی است. در این روز، شبیه نوحه و مرثیه هم خوانده می‌شود مثلاً «مراثی ارمیا»]
۳. گدلیا (۳ تیشری) [گدلیا نام یک کاهن است که در ماجرای تخییر معبد کشته می‌شود. روز کشته شدن او چون در رش هشانا است، روزه به دیرتر منتقل شده است. معبد دوم نیز تقریباً در همین روز تخریب شد.]
۴. ۱۰ طبت [به مناسبت شروع محاصره اورشلیم؛ دی‌ماه]
۲. روزه استر (۱۳ ادلار): در روز قبل از پوریم است. بلافاصله بعد از روزه، جشن پوریم آغاز می‌شود.
۳. روزه نخست‌زادگان ذکور (۱۴ نیسان): فردای این روز، عید پسخ آغاز می‌شود.

البته تبصره‌ای هست که به شرط شرکت در مراسمی، نخست‌زادگان می‌توانند روزه‌شان را باز کنند:

۱. مراسم هفت‌روزه ازدواج است (که عروس و داماد تا هفت روز دعاهای ازدواج را می‌خوانند).
۲. مراسم بازخرید نخست‌زاده
۳. جشن تکلیف
۴. جشن پایان فراگیری تلمود/زوهر: این جشن مخصوص طلاب دینی است.
۵. جشن میلا (جشن ختنه)

- دو روزه «یوم کپیور» و «۹ آو» سخت‌ترین روزه‌ها هستند و در این دو روز، علاوه بر این که خوردن و آشامیدن ممنوع است، کارهای دیگری نظیر «اعمال زناشویی»، «استحمام»، «استعمال عطر»، «پوشیدن کفش چرمی» و... نیز ممنوع است.
- نکته دیگر اینکه روزه‌های سوگواری، در صورت بازسازی شدن معبد، باطل می‌شوند با جشن، جایگزین می‌شوند.

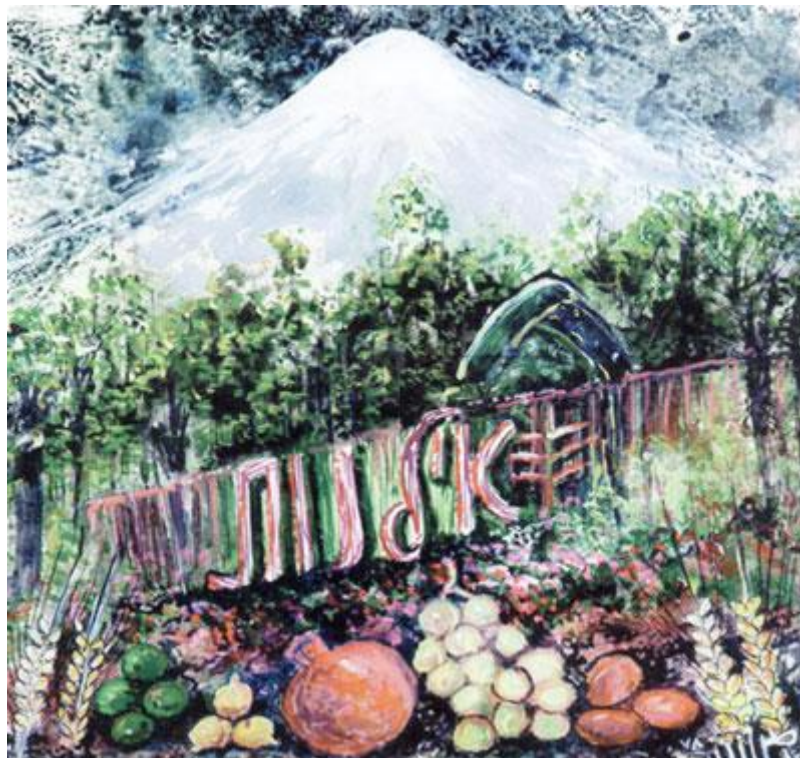
- هیچ روزه‌ای را در روز شنبه نمی‌شود گرفت؛ به جز روزه یوم کیپور. روزه‌های واجب اگر به روز شنبه افتادند، روزه‌های «گدلیا» و «۱۰ طبت» به یکشنبه بعدی و روزه‌های «نخست‌زادگان» و «روزه استر» به پنج‌شنبه بعدی منتقل می‌شوند.

روزه‌های مستحب:

- دوشنبه و پنج‌شنبه‌ها/ آدینه اول ماه عبری [دوشنبه و پنج‌شنبه‌های شش هفته‌ی خاص از تقویم عبری به خاطر اینکه مخفف حروف اول آن‌ها کلمه «شوواویم» (=توبه‌کنندگان) را تشکیل می‌دهد، اجر قرب بیشتری دارد].
- خواب: برای کسی که خواب بدی می‌بیند.
- عروس و داماد
- روزه جماعتی

مناسبت‌های تلمودی:

۱. ایلانوت (جشن درختان) [۱۵ شواط؛ بهمن‌ماه]. یک حکمی در یهودیت وجود دارد که وقتی کسی درختی می‌کارد تا سه سال حق ندارد میوه‌اش را بچیند. سال چهارم را هم باید به کاهن بدهد. از سال پنجم می‌تواند میوه‌های آن را بچیند و استفاده کند. مبدأ شمارش سال‌ها، همین روز «ایلانوت» است. برای همین، معمولاً در این روز مراسمی شبیه مراسم شب یلدای ایرانی برگزار می‌شود که میوه‌های آورده می‌شود و مراسم شادی برگزار می‌شود. هفت محصولی که در این جشن می‌آید این‌ها هستند:



گندم، جو، انار، انجیر، خرما، زیتون، انگور

۲. ۳۳ عومر (۱۸ ایار): روز وفات ربی شیمعون بریوحای که البته چون وفات او را نوعی عروج عرفانی می‌دانند، این روز را جشن می‌گیرند.
۳. ۷ اذار (تولد و وفات موسی علیه‌السلام)

ایام ویژه:

۱. شنبه
۲. اول ماه عبری (که ماه قمری هستند)
۳. ایام سلیحوت (از اول تا ۹ تیشری). این ایام، یابود عبادت چهل‌روزه موسی در کوه تور است. انتهای این دوران، «یوم کیپور» است.
۴. ده روز توبه (از روش هاشنا تا کیپور)
۵. ایام عومر (۱۶ نیشان تا ۶ سیوان)؛ این ایام، شبه‌سوگواری هستند که به یادبود کشته شدن طلاب ربی عقیوا در جنگ با رومیان است. در این ایام، مراسم جشن و عروسی و این‌ها برگزار نمی‌شود.
۶. سه هفته سوگواری (۱۷ تموز تا ۹ آو) سوگواری به خاطر ویرانی معبد.

روزهای اختصاصی یهودیت مدرن:

۱. روز شوآه: یادبود هولوکاست
۲. روز استقلال اسرائیل

مراسم:

۱. میلا (ختنه)؛ دقیقا در ۸ روزگی باید انجام شود. امر به ختنه، تنها امری است که بین اوامر در فقه تلمودی، برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. فردی که پسرش در این روز ختنه می‌شود، به نام «داماد» خوانده می‌شود. اسم‌گذاری عبری کودک نیز معمولا در این روز انجام می‌شود.
۲. جشن تکلیف. بر میصوا / بت میصوا. اولی مال پسر در ۱۳ سالگی و دومی مال دختر در ۱۲ سالگی برگزار می‌شود. در قدیم، جشن تکلیف دخترانه نبود ولی در دوران جدید، جشن تکلیف دختران نیز برگزار می‌شود.
۳. بازخريد نخست‌زاد ذکور از کاهن: چون اول‌ذات بودن، شرایط سختی دارد، در مراسمی که در ۳۱ روزگی فرزند برگزار می‌شود و آن شخص از کاهن بازخريد می‌شود.
۴. ازدواج (هفت روز)
۵. سوگواری میت: این مراسم بسیار شبیه مراسم کفن و دفن اسلامی است. در روزهای ۷، ۳۰ و ۱۲ ماهگی قمری برگزار می‌شود و پس از آن هر سال برگزار می‌شود.

نماز در یهودیت:

یک کتاب به نام «سیدور» (=مرتب‌شده) هست که متن‌های نمازهای یومیه یهودی در آن قرار دارد؛ به جز نمازهای یوم کیپور و روش هشانا که هر کدام برای خودشان حجم بزرگی از ادعیه دارند.

وسایل نماز:

۱. یاماکا: نوعی کلاه که در یهودیت بنای اولیه این است که همیشه بر سر باشد ولی چون مشکل است، به نماز و حضور در کنیسه اختصاص یافته است.
۲. تفیلین: دو جعبه چرمی است که در آن‌ها آیه‌هایی از تورات (تثنیه، باب ۶) بر روی پوست نوشته شده است. تفیلین برای نماز صبح هر روز واجب است.
۳. تلیت: لباسی شال‌مانند که مربع است و در گوشه‌های آن گره‌هایی به تعداد نام اصلی خداوند زده شده است. این لباس نیز در همه نمازهای صبح پوشیده می‌شود. از آنجایی که مبنای این حکم، آیه‌ای از تورات است که این کار را اختصاص به نماز نداده است، آقایان لباس زیری دارند که همین گره‌ها را دارد و همیشه زیر لباس‌هایشان پوشیده می‌شود.

جلسه سوم؛ ۱۸ فروردین ۹۰؛ آبائی

نماز در یهود (تفیلا)

تاریخچه:

کلامی: قبل از تورات، سرودهایی در مدح خداوند وجود داشته است. بعد از تورات هم آیاتی در مدح خداوند هست که مشخصاً گفته شده که باید صبح و شب خوانده شوند. مزامیر داوود هم بعدها جزئی از مراسم نماز و عبادت یهودی قرار گرفت.

عملی (قربانی): شکل اصلی ارتباط با خداوند، تقدیم قربانی بوده است. و فلسفه‌ش چنانکه از واژه‌اش پیداست، جهت «تقرب» به خداوند است. تا پیش از حضرت موسی، قربانی حالت شکرگزاری یا کفاره بوده است ولی بعداً تبدیل به وظیفه می‌شود و مانند نماز، واجب می‌شود.

ویرانی معبد اول: از این زمان به بعد، با توجه به این که تا پیش از این، مراسم نماز و عبادت و قربانی، بر محور معبد انجام می‌شد، تصمیم بر این شد که اذکار به عنوان یادآوری خوانده شوند. و مکانی به نام کنیسه در نظر گرفته شد (بت کنست)

معبد دوم: قربانی و نماز

تدوین نماز:

(لَحْش: آهسته و امیدوار یعنی ایستاده) + ۱۸ دعا + ۱ دعا که مضمونش با ۱۸ دعای دیگر متفاوت است و لعن کسانی که از خداوند تمرد می‌کنند. لَحْش قسمت اصلی نماز روزانه است به جز روزهای شنبه و اعیاد و مناسبت‌های توراتی که متن‌های اختصاصی خود را دارند.

نوبت‌های عادی نماز:

۱. شحریت (صبحگاه)

۲. مینحا (بعد از ظهر)

۳. عرویت (شبانگاه)

۴. نوبت اضافی صبح: موساف

مقدمات / مؤخرات نماز: [عقب افتادم از کلاس. اگر کسی نوشته، در قسمت نظرات اضافه کند]

تغییرات نماز:

شنبه

اعیاد

اول ماه قمری عبری

روزها

جشن‌ها

دوشنبه - پنج‌شنبه

قرائت تورات

نماز جماعت: به شرط حضور ۱۰ مرد مکلف بالای ۱۳ سال حضور داشته باشند، می‌شود نماز جماعتی خواند. تفاوت نماز جماعت با فرادا این است که پیش‌نماز از اول تا آخر را با صدای بلند می‌خواند و فقط قسمت لحش را با سکوت برگزار می‌کنند و بعد در انتهای نماز، امام جماعت باز می‌گردد و لحش را با صدای بلند می‌خواند. همچنین تومار تورات را فقط در نماز جماعت می‌خوانند.

نکته: خواندن نماز بر مردان همه نوبت‌ها واجب است. بر زنان فقط یک نوبت واجب است و آن نوبت نیز انتخابش به اختیار خود اوست. ن

ماز قضا: در یهودیت، قضای نماز را فقط می‌شود در زمان نوبت بعدی نماز به جا آورد و گرنه دیگر از دست می‌رود.

دعاهای یهود: هر فرد یهودی در طول روز باید دعاهایی را بخواند. تقریباً قبل و بعد از هر نعمتی که یک یهودی استفاده می‌کند باید دعا بخواند. در همه دعاهای یهودی ساختار «براخا» (برکت) وجود دارد. که به این صورت است: «متبارک هستی تو خدا، خالق ما، خالق..... (موضوع)»

۱. دعای پس از صرف غذا: این دعا حتی از نماز هم واجب‌تر شناخته شده است. مشخصاً آیه هست (سفر تثنیه: ۸) که هر وقت سیر شدی، نام خدا را بر زبان بیاور. از این آیه در تلمود نتیجه گرفته است که پس باید قبل از غذا نیز دعا خوانده شود و برای دیگر نعمت‌ها نیز لازم است. این دعا، خیلی مفصل است و شبیه نماز است. خیلی‌ها برای اینکه از این دعا فرار کنند، غذا را بدون نان می‌خورند. گرچه بدون نان خوردن هم باز دعای دیگری دارد.

۲. خوراکی‌ها (قبل و بعد)

۳. قبل از پوشیدن لباس نو، میوه نوبرانه، هر چیز نو

۴. قبل از قرائت تورات و تومار استر

۵. بعد از دیدن پدیده‌ها (رنگین کمان، رعد و برق،...)

۶. قبل از انجام هر فریضه دارای امر

۷. قبل از بوییدن چیزهایی که دارای بوی طبیعی‌اند؛ مثل گل

جلسه بعد، درباره آداب و شریعت یهودیان اشکنازی و سفارادی صحبت خواهیم کرد..

جلسه چهارم؛ ۲۵ فروردین ۹۰؛ استاد آبائی

گرایش‌های مهم فکری یهودیان

الف: تاریخی جغرافیایی

۱. سفاردی‌ها: سفاراد در زبان عبری به معنای اسپانیا است
۲. اشکنازی‌ها: کلمه اشکناز به آلمان و فرانسه امروزی گفته می‌شود.

با ویرانی معبد، مرکزیت یهودیت از اسرائیل به بابل منتقل می‌شود. قرن‌ها بعد (قرن ۷ میلادی) یهودیان به دو مسیر می‌روند. عده‌ای به اسپانیای اسلامی و عده‌ای به اروپای مسیحی. تا قبل از این تقسیم، حجیت از آن بابل بود و همه چیز در آنجا تصمیم‌گیری می‌شد و همه یهودیان تبعیت می‌کردند. ولی بعد از این تقسیم، مبانی فکری دو دسته می‌شود و یهودیت اشکنازی و سفاردی از هم جدا می‌شوند. در قسمت یهودیت اسپانیایی، باز در سال ۱۴۹۲ یک تقسیم دیگر رخ می‌دهد و یهودیان از اسپانیا اخراج می‌شوند. با اینکه بعد از مسیحی شدن اسپانیا یهودیان از آنجا اخراج می‌شوند ولی سفارادای بر روی آن‌ها باقی ماند.

امروزه بیشتر یهودیان کشورهای اسلامی و شرقی را و همین‌طور اسپانیا و شمال آفریقا را سفاردی می‌شناسند و اکثر یهودیان غربی و بعدها آمریکایی، اشکنازی هستند. البته در داخل جوامع اشکنازی، جوامع سفاردی هم وجود دارد. مثلاً در ترکیه کنیسه‌های سفاردی و اشکنازی در کنار هم وجود دارند.

تا حدود قرن ۱۷ میلادی، اکثریت با سفاردی‌ها بوده است. از نظر جمعیتی هم سفاردی‌ها غالب بودند ولی بعداً اشکنازی‌ها از قسمت متمرکز خودشان (آلمان و فرانسه) به جاهای دیگر هم نقل مکان کردند و به تدریج، غلبه جمعیتی از آن اشکنازی‌ها شد. به طوری که تا قبل از هولوکاست، کل یهود ۱۶ میلیون و نیم بودند که اشکنازی‌ها حدود ۱۵ میلیون نفر بودند و غیر اشکنازی‌ها (سفاردی‌ها و غیره) فقط یک و نیم میلیون نفر بودند. ولی اکثر کشته‌شدگان در واقعه هولوکاست، اشکنازی بودند.

رابطه سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها متغیر بوده است و هر کدام از این دو دسته خود را صاحب سنت اصلی می‌دانسته‌اند و با یکدیگر تقابل داشته‌اند. البته همکاری هم بین آن‌ها بوده. امروز بین آن‌ها دشمنی‌ای وجود ندارد و هر کدام رهبر دینی خود را دارند. همچنان مواردی هست که هر کدام از این دو گروه فقط می‌توانند در جمعیت خودشان شرکت کنند ولی بسیاری موارد در کنار هم هستند.

تفاوت‌ها:

۱. متن نماز سیدور: معمولاً اشکنازی‌ها متن‌هایشان کوتاه‌تر است. مثل قسمتی که در وسط نماز لخش است، قسمت درخواست برکت که تابستان و زمستانی داشت؛ این تفکیک فقط مال سفارادای‌هاست ولی اشکنازی‌ها برای تابستان و زمستان، فقط یک جمله را تغییر می‌دهند.
۲. مراسم کنیسه‌ها
۳. هفتارا: اینکه مثلاً در هفته کدام بخش از تورات خوانده شود، بین این دو تفاوت هست معمولاً.

۴. ایام سلیحوت: دوران چهل‌روزه که یهودیان یک ساعت قبل از نماز صبح بلند می‌شود برای یک نماز اضافی. برای اشکنازی‌ها این دوره، ده روز است.
 ۵. فصول پدران: بخش اخلاقی تلمود در شش فصل. یهودیان سفارادی‌ها آن را بین شش شنبه بین عید فسخ و یک عید دیگر می‌خوانند ولی یهودیان اشکنازی در دوره دیگری این متون را می‌خوانند.
 ۶. کاهنان: در سفارادی‌ها هر روز صبح موقع نماز می‌روند در محراب و مردم را دعا و برکت می‌کنند. در اشکنازی‌ها این مراسم فقط در مناسبت‌های خاص و اعیاد انجام می‌شود.
 ۷. جزئیات اجرای برخی احکام: مثلا در احکام ذبح گاهی هر کدام از این دو دسته، سخت‌گیری می‌کنند.
 ۸. دعاها: مثلا سفارادی‌ها برای تغلین سر و بازو یک دعا بیشتر نمی‌خوانند ولی اشکنازی‌ها دو بار دعا می‌خوانند.
 ۹. سخت‌گیری در اعیاد: اشکنازی‌ها برخی چیزها را سخت‌تر می‌گیرند.
 ۱۰. حجاب/ موی مصنوعی: مثلا زن متأهل باید سرش را بپوشاند. این کار در اروپای مسیحی سختی بوده برای همین فتوا داده بودند که یهودیان می‌توانند موی مصنوعی بپوشند. ولی سفارادی‌ها این را نمی‌پذیرند که مو با موی مصنوعی پوشانده شود.
 ۱۱. تلفظ‌ها: مثلا «ق» را سفارادی‌ها «ق» تلفظ می‌کنند ولی اشکنازی‌ها آن را «ک» تلفظ می‌کنند. یا نوعی «ت» هست که سفارادی‌ها آن را «ت» تلفظ می‌کنند ولی اشکنازی‌ها آن را شبیه «th» انگلیسی تلفظ می‌کنند. نحوه آواگذاری برای تورات نیز بین اشکنازی‌ها و سفارادی‌ها با هم متفاوت است.
 ۱۲. تک‌همسری/ مراسم عقد: یکی از علمای اشکنازی حدود هزار سال پیش فتوایی داد که تا امروز هم باقی است و چندهمسری را ممنوع کرده است. این را فقط اشکنازی‌ها پذیرفتند. در تلمود منعی برای چندهمسری وجود ندارد. در مراسم عقد نیز مثلا سفارادی‌ها می‌گویند قسمتی از مراسم عقد حتما باید زیر آسمان انجام شود.
- در گذشته، جوامع سفارادی مهد علم و دانش یهودی بودند ولی در حال حاضر، اشکنازی‌ها هستند که تفکر یهودی را پی می‌گیرند و حوزه‌های علمیه سطح بالا در آنها وجود دارد.

ب: التزام شرعی:

۱. ارتودوکس (ستنی / راست کیش)
۲. رفورم: جنبش هسکالا (روشنگری) (۱۷۷۰ تا ۱۸۸۰م). این در زمانی رخ داد که عصر روشنگری در غرب رخ داد. عده‌ای از یهودیان تصمیم گرفتند که در یهودیت نیز اصلاحاتی ایجاد کنند و با حقوق شهروندی که به آن‌ها داده شده بود، منطبق شوند. رهبر این جریان نیز موسی مندلسون بود. مبنای سخن این بود که حالا که دیگر مردم غرب از ما نفرت ندارند، ما هم خود را با آن‌ها هماهنگ کنیم. افراد بعد از موسی مندلسون به تدریج جریان «اصلاح‌گری» را راه انداختند و در این جریان، دیگر خیلی التزام به تورات و احکام یهودی کاهش یافت. ارتودوکس‌ها این جریان را به دور از یهودیت اصیل محسوب می‌کنند. خود جریان رفرم در درون خود خیلی متکثر است؛ چون حتی قائل به پیگیری رفرم‌های دیگر نیستند.
۳. محافظه‌کار (کنسرواتیو)
۴. حسیدیسم

تفاوت‌های جریان رفرم با جریان ارتودوکس:

۱. زبان محاوره و مذهبی: موسی مندلسون سعی کرد زبان محاوره را بین مردم رواج دهد و صحبت کردن یهودیان را به شهروندان دیگر شبیه کند. همچنین موسی مندلسون زبان عبری را هم مدرن کرد. او تورات را نیز به زبان آلمانی ترجمه کرد؛ در حالی که در تفکر ارتودوکس تأکید می‌شد که تورات باید به زبان عبری باشد.
۲. اجرای نماز (زبان غیر عبری نیز به رسمیت شناخته شد/ اختلاط زن و مرد در هنگام نماز/ موسیقی در فضای کنیسه وارد شد/ تغییر در متن نماز/ کوتاه شدن متون نماز/ زن‌ها پیش‌نماز شدند/ روحانی زن پیدا کردند/ ...)
۳. ماشیح: در تفکر رفرم چنین گفته شد که شخصی به نام ماشیح نمی‌آید بلکه دوران مسیحایی می‌رسد/ صهیون/ نام کنیسه به temple تغییر پیدا کرد/ نفی برگزیدگی و نفی ملت یهود/ نفی وحیانی بودن تورات/...
۴. آیین و احکام: از آنجا که جریان رفرم چنین مدعی شد که تورات، یک پیشنهاد است و الزام‌آور نیست بسیاری از احکام نیز تغییر کرد. به دنبال این تغییر دیدگاه، احکام حجاب و طلاق تغییر کرد. مثلاً دیگر نیازی به طلاق شرعی نیست و به صورت قانونی انجام می‌شود.
۵. ارث بردن دین از پدر: در یهودیت ارتودوکس، دین از مادر به فرزند منتقل می‌شود ولی یهودیت رفرم قائل به این شد که از پدر منتقل می‌شود.
۶. ملی‌گرایی: با توجه به این که یهودیت رفرم، «ملت یهود» را نفی کرد، هر کدام از آن‌ها نسبت به ملیت خودشان خیلی حساسیت دارند.

مشکلات:

۱. رساله احکام
۲. مرزها: تا کجا لیبرال محسوب می‌شود تا کجا رفرم؟ معلوم نیست. بعضی از رفرم‌ها مذهبی‌تر از دیگر رفرم‌ها هستند.

جنبش محافظه‌کار (کنسرواتیو)

این جنبش، کسانی‌اند که قائل به عقاید ارتودوکسی هستند و ایمان دارند ولی در التزام به احکام توراتی، شرایط زندگی امروزی را کاملاً لحاظ می‌کنند. مثلاً قائل به حرمت روز شنبه هستند ولی معتقدند در جامعه امروز امکان این نیست که همه کارها در روز شنبه ترک شود. در مورد احکام ذبح هم همین‌طور است. جریان محافظه‌کار، چیزی بین جنبش ارتودوکس و جنبش رفرم است. برای همین است که این جنبش، طرفدار بیشتری در غرب دارد.

نکته:

تقسیم‌بندی بر اساس التزام شرعی (ارتودوکس‌ها، محافظه‌کار و رفرم‌ها و...) فقط در فضای اشکنازی قرار دارد و در جوامع سفارادی شرقی، اصلاً چنین تقسیم‌بندی وجود ندارد.

حسیدیسیم:

این جنبش، شاخه‌ای از ارتودوکس‌های اشکنازی محسوب می‌شوند ولی تفاوت‌هایی با آن‌ها دارند.

نکته:

یکی از مهم‌ترین مشکلات امروزه این تقسیم‌بندی در جوامع غربی این است که دولت‌ها نمی‌دانند برای برخورد با یهودی‌ها باید با کدام جریان یهودیت در ارتباط باشند. قوانین این فرقه‌ها فرق می‌کند و دولت‌ها را سردرگم می‌کند و مشکلات حقوقی زیادی در کشورهای غربی به وجود می‌آورد.

هفته آینده در مورد ازدواج و ماشیح صحبت خواهیم کرد و هفته بعد از آن، حاخام دکتر همای تشریف می‌آورند.

جلسه پنجم؛ ۱ اردیبهشت ۹۰؛ آبائی

آداب و مراسم

کشروت (جمع کوشر): قوانین خوراک حلال

۱. حیوانات
۲. ذبح / ذابح / قوانین / کارد / معاینات (طِرفا / نِولا)
۳. تهیه غذا: گوشتی
۴. منع فرآورده‌های گوشتی به همراه لبنیات
۵. غسل ظروف
۶. پرهیز از کرم و حشرات
۷. ناظر پخت
۸. شراب و پنیر و نان و ژله
۹. حامش

تقویم

۱. دو دستور تورات: ماه قمری / سال خورشیدی
۲. ماه قمری ۲۹ روز و خرده‌ای و سال قمری ۳۵۲ روز / ۱۱ روز و خرده، تفاوت در سال.
۳. ۷ سال کیبسه (۱۳ ماهه) در دوره ۱۹ ساله
۴. اعلام ماه نو / رؤیت هلال / تفاوت یک روز اضافه شده در اعیاد در خارج از اسرائیل
۵. تدوین تقویم عبری / قرن ۴م / هیلل دوم
۶. اذار دوم / ماه اضافه / اسامی ماه‌ها
۷. قوانین کلی
۸. اهمیت تقویم اول سال یهودی

حیوانات:

کشروت، در مورد چهارپا و پرنده، حیوانات حلال نام برده شده:

۱. چهارپایان: گاو، گوسفند و بز و آهو و زرافه؛ اعم از وحشی و اهلی (بوفالو و گوزن)
- علامات:

۱. نشخوارکننده
۲. شکاف سم کامل.

البته شتر نشخوارکننده است و سم شکاف‌دار هم دارد ولی شکاف سمش کامل نیست.

۲. پرندگان:

۱. گوشت‌خوار نباشد.
۲. نشانه‌های نوک پرنده و نحوه نشستن روی میله که چند چنگال به جلو و چند چنگال در عقب دارد. معمولاً پرندگان معروف، حلال‌اند.

۳. آبی‌ها:

۱. فقط ماهی: میگو حرام است.
۲. دارای پولک و باله: اوزون برون و مارماهی حرام‌اند.

نکته:

- شترمرغ، مرغ ماهی‌خوار، لک‌لک از پرندگان حرام‌گوشت‌اند.
- مرغ، خروس، گنجشک، کبک، بلدرچین، اردک و... حلال‌اند.
- نوعی ملخ حلال شمرده شده که چون امروزه نمی‌دانند کدام است، عملاً همه حرام‌اند.
- هر موجودی که حلال است، فرآورده‌هایش هم حلال است و بالعکس.

قوانین ذبح:

به جز ماهی که قاعده خاصی برای شکار و صید آن نیست، در مورد حیوانات چهارپا و پرنده قوانینی وجود دارد. در جلد ۲ شولحان عاروخ (۴ جلدی)، یک‌پنجم احکام یهود به این قضیه اختصاص یافته.

ذبح:

۱. در حد یک حاخام باید وارد باشد تا بتواند ذبح کند و بخش دوم شولحان عاروخ را کاملاً وارد باشد و آزمون دهد و حرفه‌ای باشد.
۲. رنجی به حیوان وارد نکند.

کارد:

۱. کاردی مخصوص و حداقل طولش باید دو برابر طول گردن حیوان باشد. در نتیجه کارد ذبح پرنده با کارد ذبح حیوان فرق دارد.
۲. کاملاً تیز باشد و با دو جور سنگ زبر و نرم، آن را تیز کنند به نحوی که از حد معمولی نیز بلندتر و سنگین‌تر نباشد.
۳. دعایی خاص دارد که باید قبل از ذبح خوانده شود.

معاینات:

حیوان باید سالم باشد، در حال جان دادن و بیماری و شکنجه نباشد/ این کار پس از ذبح هم باید صورت گیرد.

شیوه ذبح:

۱. در مورد پرنده: بیش از نصف نای یا مری باید بریده شود (حداقل شرط)
۲. چهارپا:...

در مورد هر دوی این‌ها، «طرفا» (شکارشده) و «نولا» (مردار) حرام‌اند.

عقیده بر این است که تا قبل از طوفان نوح، طبق ۶ فرمان رستگاری خدا به آدم، انسان گیاهخوار بوده اما با فرمان هفتم که پس از طوفان نوح آمد، گوشتخواری پس از ذبح هم آمد.

حرام‌کننده‌های ذبح:

۱. مکث در بریدن
۲. [...] در حد فاصل نای و مری

اصطلاحات:

- کسلر: معمولی
- گنت کاشر: اگر نکته خاصی قبل از ذبح در حیوان مشاهده شود یا پس از آن، که ذبح را از حسن کامل بیندازد در برخی دیدگاهها در حد جزئیات قابل قبول، معفو است اما برخی که معتقدترند، نه.

نکته:

قصاب از ذابح بودن، منع شده، اگر ذابح درست ذبح نکند، اعلام می‌شود که «نولا» است و نیز در مورد شکار و «طرفا».

شیوه تهیه غذای گوشتی / خون

- خون چهارپا حرام است.
- گوشت ذبح‌شده:
- باید نمک زده شود (که ریز و درشتی خاصی دارد)
- بعد از ۴-۶ ساعت شسته شود تا خونش کامل در آید (جگر را که خود خون دارد، نمی‌شود چنبن کرد و مستقیماً کباب می‌شود)
- پیه و رگ نیز حرام است.

منع خوردن همزمان گوشت و فرآورده‌های لبنی:

مثلاً توصیه شده آنکه گوشت می‌خورد تا ۳-۴ ساعت باید صبر کند و بعد دوغ یا شیر و... بخورد. این امر منجر شده که از منع خوردن، حتی به جدا کردن سفره‌ها و ظروف آن‌ها نیز توصیه شده. چون در تورات آمده «بزغاله را در شیر مادرش بجوشان».

غسل ظروف:

می‌گویند ظرفی که تازه خریده می‌شود باید در آب غسل داده شود و امروزه چندان مرسوم نیست و فقط متدینان مقید آن را انجام می‌دهند.

کرم و حشرات:

منع خوردن این‌ها وجود دارد. لذا در یهود باید در مورد میوه و سبزی، قبل از خوردن معاینه انجام شود تا کرم نداشته باشد. برخی در مورد کاهو و توت‌فرنگی بسیار حساس‌اند و نمی‌خورند. گرچه حرام نیست.

ناظر پخت:

طباخ باید ملتزم باشد یا فردی که مؤمن باشد، ناظر آن باشد. لذا کلا یهودیان ملتزم سعی می‌کنند در بیرون از منزل غذا نخورند.

استثنائات خاص:

یکی از فلسفه‌های منع این غذاها، منع معاشرت بوده تا یهود با دیگران هم‌سفره نشود و لذا غیر از موارد مذکور غذاهایی نیز منع شد. مواردی که از این دست، غیر یهودی تولید کرده، استفاده نمی‌شود.

- نان و شراب: چون غیر یهودیان و یونانی‌ها و... از این فراورده‌ها بسیار استفاده می‌کردند و حتی مثلاً یونانی‌ها شراب را بر [...]های خود می‌ریختند احتمال تهیه شراب به قصد آن امور توسط آن‌ها هم بود. نتیجه، منع از آن شراب و امر به تهیه شراب به دست خود یهودیان شد.
- روغن: پس از مدتی رفع شد. چون گاه‌مراکزی برای روغن‌کشی در دست یهود نبود.
- پنیر: در قدیم از مایعی در معده بزغاله یا چهارپا به دست می‌آمد و چون هر فراورده‌ای از حیوان حرام، حرام بود، پنیر هم از ممنوعیاتی بود که باید ناظر می‌داشت.
- ژله: چون معمولاً از استخوان گاو و گوسفند و... گرفته می‌شود حرام است؛ مگر اینکه گیاهی باشد.

در هشت روز عید پسخ که باید از نانی که خمیرش فرآوری نشده استفاده کنند، رسم است که در این ۸ روز نان و همهٔ فراورده‌های گندمی و... را از خانه دور کرده؛ حتی از بیرون چیزی نمی‌خرند.

در تورات ظاهراً دو دستور متناقض راجع به [...] اول داشته شده:

۱. هلول ماه: با توجه به دستور به رؤیت ماه نسیان: استنباط ماه قمری باید گردش باشد.
۲. دستور تورات بر وقوع عید پسخ در بهار/ عید سایبان‌ها در پاییز: چون این دستورات با گردش بودن روزهای سال منافات داشت.

بنابراین روزها به حساب روزهای قمری حساب می‌شد. یعنی هر سه سال یک ماه به سال عبری افزودند و سال عبری ۱۳ ماهه می‌شد. مثلاً روز عید پسخ در طول سه سال از روزهای آغازین تا پایان ماه فروردین می‌رسید و در سال چهارم یک ماه اضافه می‌شود که دوباره به جای اول برگردد. نتیجه اینکه سال، شمسی و ماه، قمری است.

نکته:

تا قرن ۴ میلادی، اعلام ماه به دست حاخام‌ها بوده. اما به دلیل مشکلات حاصله از قرن ۴م به بعد دیگر رؤیت ماه صورت نمی‌گیرد بلکه بر اساس تقویمی که هیلل دوم استخراج کرد پیش می‌روند.

اهمیت تقویم عبری:

- بسیاری از تکالیف، احتساب سن بلوغ و... بر اساس این تقویم است.
- شمارش ماه از ماه نسیان (فروردین) است اما عوض شدن سال از اول ماه تشری که در مهرماه است رخ می‌دهد.

قوانین کلی:

تقویم طوری تدوین شده که اگر گاه برخی اعیاد مثل یوم گیپور و... که شرایط سختی دارند، اگر این روز عید (که معمولاً مدت‌شان ۲ روز است) با روز سومی که شنبه است قرین شود و شرایط را سخت‌تر کند، تداخل نکند.

ماه‌های عبری نوعاً ۲۸ یا ۲۹ روزه‌اند و ۳۰ نمی‌شوند.

دعاهای ایام:

برای هر ماه، بر ماه (سیاه) دعای ماه خوانده می‌شود/ بین ۷ تا ۱۳ ماه قمری/ فولاد: تولد ماه که احتساب شده که در چه ساعت و روزی ماه دیده می‌شود و هر ۲۸ سال یک بار نیز دعایی بر خورشید خوانده می‌شود؛ چون عقیده بر آن است که هر ۲۸ سال خورشید به جای اول آفرینش خود بازمی‌گردد.